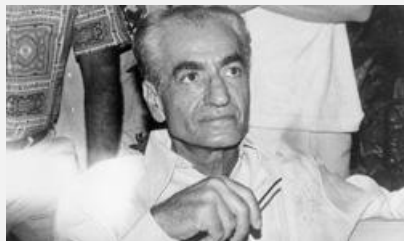


شاه در سفر بی‌بازگشت



از 26 دی 1357 که محمدرضا پهلوی در بحبوحه انقلاب اسلامی از ایران گریخت تا 5 مرداد 1359 که در بیمارستان رمادی قاهره درگذشت، در سرگردانی و آوارگی بود. او در اولین مرحله از سفر بدون بازگشت خود وارد آسوان مصر شد.

خبرگزاری فارس: از 26 دی 1357 که محمدرضا پهلوی در بحبوحه انقلاب اسلامی از ایران گریخت تا 5 مرداد 1359 که در بیمارستان رمادی قاهره درگذشت، در سرگردانی و آوارگی بود. او در اولین مرحله از سفر بدون بازگشت خود وارد آسوان مصر شد.

از 26 دی 1357 که محمدرضا پهلوی در بحبوحه انقلاب اسلامی از ایران گریخت تا 5 مرداد 1359 که در بیمارستان رمادی قاهره درگذشت، در سرگردانی و آوارگی بود.

او در اولین مرحله از سفر بدون بازگشت خود وارد آسوان مصر شد و به هنگام ورود به مصر مورد استقبال رسمی و تشریفاتی انورسادات رئیس جمهور این کشور قرار گرفت.

سادات، میهمانان را به هتلی در یک جزیره مصنوعی در وسط رود نیل انتقال داد. شاه یک هفته در این هتل اقامت کرد. سپس در دوم بهمن 1357 با بدرقه رسمی سادات، مصر را به قصد مراکش ترک کرد. گرچه شاه به دعوت پادشاه مراکش به آن کشور رفت ولی در «رباط» از آن تشریفات رسمی که در مصر به عمل آمد خبری نبود.

ملك حسن پس از دیداری کوتاه و رسمی با شاه، ترتیب انتقال وی و همراهانش را به کاخ «جانالکبیر» در حومه پایتخت داد. شاه 67 روز در این کاخ که در وسط باغ بزرگی بنا شده بود، ماند. در طول این مدت از یکسو امام خمینی از نوفلوشاتو به تهران آمد و 10 روز بعد انقلاب اسلامی در 22 بهمن 1357 به پیروزی رسید و از سوی دیگر در مدت دو ماهه اقامت شاه در مراکش، اکثر درباریان و اطرافیان شاه که وی را در خروج از ایران به مصر و از آنجا تا مراکش همراهی کرده بودند، به تدریج او را رها کرده و رهسپار اروپا و آمریکا شدند. تنها جمعی از خدمه بودند که شاه را هنگام ترک مراکش همراهی کردند. از سوی دیگر دولت مراکش نیز به دلیل آنکه تصمیم گرفته بود روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران را حفظ کند مایل نبود اقامت شاه طولانی شود. این موضوع را خود شاه و اطرافیان نیز از فحواي مقالات مطبوعات مراکش فهمیده بودند.

شاه تصمیم داشت رهسپار آمریکا شود اما مقامات آمریکایی به دلیل اوجگیری بحران سیاسی در روابط تهران و واشنگتن، مایل به پذیرایی از وی نبودند. اردشیر زاهدی از جمله کسانی بود که در آن روزها دائماً در تلاش برای یافتن جایی جهت اقامت شاه بود. او که در «سنموریتس» سوئیس و همچنین در کنار دریاچه ژنو، 2 خانه ویلایی داشت تصمیم گرفته بود شاه را به آنجا انتقال دهد اما دولتمردان سوئیس مایل نبودند روابطشان با دولت جدید ایران به خاطر وفاداری به رئیس یک دولت سرنگون شده به خطر بیفتد. محمدرضا پهلوی در شرایطی که نتوانسته بود کشوری را به عنوان پناهگاه بیابد، به پیشنهاد مشترک راکفلرو کیسینجر مجبور شد به «باهاما» در آمریکای مرکزی، 1 برو. این سفر با هواپیمای اختصاصی شاه حسن مراکشی صورت گرفت زیرا خلبان معزی چند روز پس از آنکه شاه و همراهانش را به رباط رساند، با موافقت شاه، مراکش را به مقصد تهران ترک کرد. 2 هواپیما صبح روز 10 فروردین 1358 فرودگاه رباط را به مقصد جزایر باهاما ترک کرد. در فرودگاه باهاما هیچ یک از مقامات دولتی برای پذیرایی از شاه حضور نیافتند و شاه و همراهان توسط «رابط آرماتو» عضو ارشد «سیا» و دوست اشرف پهلوی به مقصد از پیش برنامهریزی شده هدایت شدند. شاه، همسرش و یک پیشخدمت به یکی از جزایر و بقیه همراهان به جزیره دیگر برده شدند. به شاه و فرح اجازه خروج از جزیره داده نشد. شاه 70 روز در این جزیره به سر برد. انتشار خبرهای مربوط به برقراری نظام جمهوری اسلامی در 12 فروردین 1358، شناسایی جهانی جمهوری اسلامی ایران، اعدام هویدا و امرای ارتش شاه در ایران، ورود عرفات به تهران، تبدیل سفارت اسرائیل به سفارت فلسطین، تعقیب بینالمللی شاه و تشدید بیسابقه مراقبتهای امنیتی برای حفظ جان شاه و ممانعت از روده شدن وی، بدترین خبرها و رویدادهایی بود که شاه طی 7 هفته اقامت خود در باهاما با آنها مواجه شده بود. علاوه بر این، در همین مجمعالجزایر بود که شاه توسط پزشکان اعزامی از فرانسه، از بیماران سرطان لنفومیش مطلع شد. 3

شاه و باقیمانده همراهان روز 20 خرداد 1358 با یک هواپیمای کرایهای از باهاما راهی مکزیک شدند و در یک خانه ویلایی که قبلاً برای اقامت آنان در نظر گرفته شده بود، مستقر شدند. گفته میشود وزارت خارجه مکزیک مایل به ورود شاه نبود اما «خوزه لوپز پورتیلو» رئیسجمهور آن کشور تحت فشار آمریکا مجبور شده بود، وی را در حومه مکزیکوسیتی برای مدتی اقامت دهد. شاه و معدود همراهان وی مدت 4 ماه در این اقامتگاه ماندند. در دوازدهمین روز اقامت آنان در مکزیک - دوم تیر 1358 - انورسادات از پارلمان مصر تقاضا کرد قطعنامه‌های تصویب کند و به شاه اجازه دهد تا به عنوان «پناهنده سیاسی» برای همیشه در مصر بماند. در پارلمان مصر از این پیشنهاد با کفزدنهای بسیار، استقبال شد.

4 هفته پس از ورود شاه به مکزیک بیماری وی تشدید شد. او یک تومور سرطانی بدخیم در ناحیه گردن داشت و از یرقان شدید نیز رنج میبرد. پس از 4 ماه اقامت در مکزیک وی مطلع شد که دولت کارتر با سفر او به آمریکا صرفاً با هدف معالجه بیماریش موافقت کرده است. از این رو در 30 مهر، مکزیکوسیتی را به مقصد بیمارستان نیویورک - همان بیمارستانی که 17 ماه پیش امیراسدالله علم وزیر پیشین دربار به بیماری مشابهی در آن درگذشت - ترک کرد و به مدت 54 روز در آنجا بستری شد در این مدت دو بار تحت

عمل جراحی طحال و کیسه صفرا قرار گرفت. کمتر از دو هفته پس از ورود شاه به این بیمارستان، سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آمد و این امر بیش از پیش کارتر را به صحت دیدگاههایش که مایل نبود شاه به آمریکا بیاید، متقاعد کرد. دستور مسدود ساختن دارائیهای ایران در بانکهای آمریکائی - 22 آبان 1358 - واقعه دیگری بود که اوضاع را پیچیدهتر کرد.

مشاهده خشم ضد آمریکائی مردم ایران و اصرار آنان برای تحویل گرفتن شاه، از تلویزیون اتاق بیمارستان نیویورک از جمله مهمترین نگرانیهای شاه بود. علاوه بر این خبر آزاردهنده دیگر این بود که به شاه اطلاع داده شد به محض بهبودی نسبی باید خاک آمریکا را ترک کند.

در همین حال سفیر مکزیک نیز به همراهان شاه اطلاع داد که بعد از تصرف سفارت امریکا در تهران، دولت مکزیکوسیتی به خاطر حفظ روابط سیاسی خود با حکومت تهران مایل به میزبانی مجدد شاه نمیشد. بدترین لحظه شاه و همسرش زمانی بود که در 11 آذر 58 از بیمارستان نیویورک مرخص شدند ولی هنوز مقصدی برای سفر نداشتند. در نتیجه آنان با یک هواپیمای نیروی هوایی آمریکا به مقصد تکزاس پرواز کردند تا 2 هفته باقی مانده از روادید خود را در آنجا در داخل آپارتمانی کوچک بگذرانند. اما در حین راه به همراهان آمریکائی خبر رسید که آپارتمان مزبور هنوز آماده نیست. در نتیجه شاه و همسرش به مکانی که بعداً معلوم شد، تیمارستانی برای نگهداری بیماران روانی است برده شدند. با ورود به این مکان همسر شاه برای نخستین بار با داد و فریاد به همراهان آمریکائی خود اعتراض کرد و گفت: «« آیا ما در اینجا زندانی هستیم؟ آیا کارتر ما را زندانی کرده است؟ ما در این جا دیوانه خواهیم شد؟ باید بیرون برویم و»

برای فرونشاندن اعتراضات همسر شاه تلفن در اختیار وی گذاردند و او توانست بستگان خود را در جریان قرار دهد. پس از چند ساعت آنان به آپارتمان مورد نظر در پایگاههای نظامی ««لک لند» تکزاس برده شدند.

مقامات آمریکائی با پایان مهلت اقامت شاه در آمریکا به وی اطلاع دادند که به دلیل عواقب ناشی از تصرف سفارت آمریکا در تهران امکان تمدید روادید وی وجود ندارد و به همین دلیل در پاناما جائی مناسب برای اقامت وی و همسرش در نظر گرفته شده است. شاه که غیر از پذیرفتن، چاره دیگری نداشت به اتفاق همسرش در 24 آذر 1358 با هواپیمای نیروی هوایی آمریکا از فرودگاه تکزاس به پاناما در آمریکائی مرکزی برده شدند.

وقتی شاه و همسرش در فرودگاه پایگاه هوایی ««هوارد» در پاناما سیتی از هواپیما خارج میشدند جز جمعی از سربازان گارد ملی پاناما، افسران امنیتی، دستیاران ««6 عمر توریخوس» و سفیر آمریکا کسی در فرودگاه نبود. شاه، همسرش و پزشک مخصوص آنها با هلیکوپتر از فرودگاه به یک پایگاه در جزیره‌های به نام ««کوتتا دورا» متعلق به پاناما انتقال داده شدند.

توریخوس روز 25 آذر به ملاقات شاه آمد. او در پایان این ملاقات به یکی از مشاورینش گفت ««شاه مانند پرتغالی است که تا آخرین قطره آبش را گرفته‌اند و تفالهاش حتی به درد غذایی خوکها هم نمیخورد. این سرانجام کسی است که کشورهای بزرگ او را چلانده‌اند، شیرهاش را کشیده‌اند و تفالهاش را دور انداخته‌اند.»

شاه و همسرش در پاناما با دو دردسر عمده مواجه شدند. نخست شدت گرفتن بیماری شاه که وی مایل نبود پزشکان پانامائی بدون اطلاع از ماهیت و عمق بیماریش معالجات را از صفر شروع کنند؛ او بویژه از نگرانی پزشکان پانامائی از عواقب جراحی خبر داشت. دیگری اطلاعاتی بود که براساس آن مقامات وزارت خارجه دولت ایران در تماس مداوم با مقامات پانامائی بودند تا بتوانند راهی برای استرداد شاه بیابند. 8 راه رهایی از این دو دردسر، خروج شاه و همسرش از پاناما بود.

با همه این مشکلات، شاه و همسرش 100 روز در پاناما ماندند و سپس به اصرار رئیس جمهور مصر و همسرش، روز سوم فروردین 1359 با یک هواپیمای پانامائی رهسپار قاهره شدند. این بار نیز در فرودگاه مصر انورسادات و همسرش استقبال رسمی از شاه به عمل آوردند. شاه روز 8 فروردین در بیمارستان معادی قاهره تحت عمل جراحی طحال و کبد قرار گرفت. آزمایشهای انجام شده بر روی بافتها نشان میداد سرطان بدخیم تمامی سیستم خون و کبد وی را فرا گرفته است. با ورود شاه به مصر مجلس نمایندگان این کشور نیز دستور رئیسجمهور در مورد تصویب طرح اعطای پناهندگی به شاه را به اجرا در آورد. ورود شاه همچنین از یکسو خشم مردم ایران علیه آمریکا و حکومت مصر را برانگیخت و از جانب دیگر سبب رنجش خاطر گروههای اسلامی مصر گردید و تظاهراتی را در قاهره و چند شهر دیگر با هدف واداشتن دولت به اخراج شاه براه انداخت. تشخیصهای گروههای مختلف پزشکی راجع به درمان شاه و تجویز راهحلهای مختلف، خود یکی از عوامل نگران کننده برای شاه بود. شاه در مصر دو بار مورد عمل جراحی قرار گرفت و بهبود نیافت. او در کاخ قبه که معمولاً در اختیار سران کشورهای بازدید کننده از مصر قرار میگردد برده شد.

آخرین مصاحبه شاه قبل از مرگش، در خرداد 1359 در همین کاخ صورت گرفت. وی در این مصاحبه که با ««کاترین گراهام» مدیر مؤسسه مطبوعاتی واشنگتن پست انجام داد، از بیمه‌ری رهبران دولتها که مایل به پذیرفتن وی نبودند، از فرصتطلبی دولتمردان آمریکائی و انگلیسی و از اینکه در برابر انقلاب ایران دست به کشتار بیشتر و بیرحمانه تر نزد اظهار تاسف کرده است.

حال عمومی شاه در اقامت دومش در مصر هفته به هفته و ماه به ماه وخیمتر شد. آزمایشات انجام شده در ماههای خرداد و تیر 1359 نشان میداد که عفونت تمامی بدن وی را احاطه کرده است. در اولین روزهای مرداد تیم پزشکی اعزامی از فرانسه نسبت به نجات جان شاه اظهار ناامیدی کرد و محمدرضا پهلوی 4 ماه پس از سفر دوم خود به مصر در 5 مرداد 1359 درگذشت. جسد شاه در مسجد زیدالرفاعی، جائی که معمولاً اجساد پادشاهان مصر در آن دفن میشد، به خاک سپرده شد. جنازه رضاخان پدر شاه نیز که در 1323 در آفریقای جنوبی درگذشت برای مدت 6 سال در مصر و در همین مسجد نگهداری میشد.

شاه در حالی درگذشت که 9 ماه از گروگانگیری دیپلماتهای آمریکائی در تهران میگذشت و استرداد شاه به ایران از جمله شرایط آزاد کردن دیپلماتها اعلام شده بود. از این رو هیچ یک از کشورها حاضر به پذیرفتن شاه نبود.

- بحران، هامیلتون جردن، نشر نو.
- آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، نشر البرز.
- ماموریت در ایران، ویلیام سولیوان، انتشارات هفته.
- ماموریت در تهران، خاطرات ژنرال هایرز، انتشارات اطلاعات.
- دادستان انقلاب، محمود طلوعی، نشر علم.
- آرشیو روزنامه‌های کثیرالانتشار.

پی نوشت :

- 1- مجمع‌الجزایر «با هاما» متشکل از 700 جزیره کوچک و بزرگ در اقیانوس اطلس، در شرق کوبا و جنوب فلوریدای آمریکا قرار دارد و از مراکز عمده داد و ستد مواد مخدر توسط قاچاقچیان بین‌المللی به شمار میرود.
- 2- سرهنگ معزی به هنگام ورود به فرودگاه مهرآباد مدعی شد از اینکه به وطنش بازگشته خوشحال است. اما این ادعا دروغی بیش نبود و وی کمی بعد، رجوی سر کرده سازمان مجاهدین خلق - منافقین - و بنیصدر را با همان هواپیما به فرانسه برد و دیگر باز نگشت.
- 3- «ژان برنار» خونشناس فرانسوی که بیماری سرطان شاه را به وی متذکر شد، قبلاً در 30 فروردین 1353 پس از معالجه شاه در تهران وی را از ابتلاء به نوعی سرطان خون مطلع کرده بود، ولی شاه این طبابت را جدی نگرفت.
- 4- اسدالله علم در 25 فروردین 1357 به بیماری سرطان خون در بیمارستان نیویورک درگذشت. به مقاله «امیر اسدالله علم کیست؟» در سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مراجعه شود.
- 5- آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، ص 381.
- 6- ژنرال عمر توریخوس رهبر پاناما در 1968 با کودتا علیه حکومت «آریاس» به قدرت رسید. او در 1981 بر اثر سانحه سقوط هلیکوپتر کشته شد و ژنرال نوریهگا فرمانده گارد ملی پاناما قدرت را در این کشور بدست گرفت.
- 7- آخرین سفر شاه، همان، ص 414.
- 8- روز سوم بهمن 1358 وزارت خارجه ایران اعلام کرد که شاه در پاناما بازداشت شده است. این اعلام متعاقب تماس قطب‌زاده با یکی از مقامات پانامائی صورت گرفت که طی آن مقام مزبور به وزیر خارجه ایران قول داده بود شاه تحت نظر قرار دارد. هدف قطب‌زاده از انتشار این خبر دروغ، تقویت موقعیت خودش در اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران بود. انتخابات دو روز بعد برگزار شد و بنیصدر به ریاست جمهوری رسید.
- 9- رضاشاه نیز در 4 مرداد 1323 در تبعیدگاه خود در ژوهانسبورگ مرد. به مقاله «پیرونده رضاخان» در سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مراجعه شود.

منبع: راسخون